

Research Article

Jurisprudential Conditions of Polygamy and Its Legal Ambiguities¹

Zahra Mohammad Parchavi² Ahmad Ahmaditabar³
Zohreh Rajabian⁴

Received: 10/07/2022

Accepted: 27/03/2023



Abstract

Based on the Holy Qur'an and narratives, justice is one of the conditions of polygamy, of which Ghasm (the right of the wife for sleeping with the husband at night), alimony, and payment of money are its examples. The Article 14 of the Iran's Family Protection Law in 1967, focusing on obtaining the conditions of a man's power to execute justice and the Article 17 of the Family Protection Law in 1974, instead of verification of a man's power to execute justice, emphasizing the man having the

1. This article has been taken from the PhD dissertation entitled a Jurisprudential examination of Istihbab of polygamy (supervisor: Ahmad Ahmaditabar), defended on 09/28/1400 AP at Al-Zahra University, Qom.
2. Level Four of Islamic Seminary in Fiqh and Usul with a focus on family Fiqh, professor at Al-Zahra University, Qom, Iran (Corresponding author). zmparchavi@gmail.com.
3. Professor, Kharif Fiqh and Usul, Islamic Seminary, Qom, Iran. ahmad.ahmadi@gmail.com.
4. Professor, Kharif Fiqh, Islamic Seminary, Qom, Iran. rajabian@wrc.ir.

* Mohammad Parchavi, Z., & Ahmaditabar, A., & Rajabian, Z. (1402 AP). Jurisprudential Conditions of Polygamy and Its Legal Ambiguities. *Journal of Fiqh*, 30(113), pp. 9-35.

Doi: 10.22081/jf.2023.64373.2526.

● © Author (s). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial 4.0 International License (<http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited..

qualifications of the execution of justice in paragraph 1 of Article 16, are totally different from the high concept of justice based on most jurists' viewpoints - one of the definite conditions of polygamy. In fact, this is not recognizing the necessity of executing justice as one of the conditions of polygamy and it leads to violation of women's rights. Meanwhile, supporting the rights of women and family as one of the most important social institutions, doubles the importance of the legislator's view on this issue. The present study, using a library method and with an analytical-descriptive and inferential approach, after examining the details of the conditions of polygamy from the point of view of jurists and examining the evidence and its compliance with related laws, has dealt with the gaps in the law and the legislator's lack of attention to the certain jurisprudential condition and its examples, and the result is the basic contradiction of the concept of justice desired by jurists and legislators. In addition, various examples of justice in polygamy (ghasm, alimony, payment of money), the ways of obtaining the initial conditions and maintenance implementation and the guarantee of its implementation are gaps in these legal articles, and it is suggested to amend the legal articles based on Fiqh.

Keywords

Polygamy, Execution of Justice, Polygamy, Ghasm and Alimony, Article 17 of The Iran's Family Protection Law.

مقاله پژوهشی

شرایط فقهی چندهمسری و ابهامات قانونی آن^۱

زهرامحمدپرچوی^۲ احمد احمدی تبار^۳ زهره رجبیان^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۹

© Author (s)



چکیده

به استناد قرآن کریم و روایت‌ها، عدالت از شرایط تعدد زوجات بوده که قسم، نفقه و اطلاق وجه از مصادیق آن می‌باشد. برابر ماده ۱۴ قانون ح.خ ۱۳۴۶، احراز قدرت مرد به اجرای عدالت و برابر ماده ۱۷ قانون ح.خ ۱۳۵۳ به جای احراز قدرت مرد به اجرای عدالت، از احراز اجرای عدالت در مورد بند ۱ ماده ۱۶ سخن به میان آمده است که با مفهوم عالی عدالت مورد نظر فقیهان که از شروط مسلم چندهمسری می‌باشد تفاوت بسیاری دارد. این امر در حقیقت به رسمیت نشناختن ضرورت اجرای عدالت به عنوان یکی از شرایط تعدد زوجات بوده و توضیح حقوق زنان را در پی دارد و این در حالی است که حمایت از حقوق زنان و خانواده به عنوان یکی از مهم‌ترین نهاد اجتماعی، اهمیت نگاه قانون‌گذار به این مسئله را دو چندان می‌کند. پژوهش حاضر به روش کتابخانه‌ای و با رویکرد تحلیلی-توصیفی و استنتاجی، پس از بررسی جزئیات شرایط تعدد زوجات از دیدگاه فقیهان و بررسی

شرایط فقهی چندهمسری و ابهامات قانونی آن

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری با عنوان: بررسی فقهی استحباب تعدد زوجات (استاد راهنما: حجت‌الاسلام

احمد احمدی تبار)، در تاریخ ۱۴۰۰/۰۹/۲۸ در جامعه الزهراء قم دفاع شده است.

۲. سطح ۴ فقه و اصول با گرایش فقه خانواده، استاد جامعه الزهراء (ع)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

zmparchavi@gmail.com

ahmad.ahmadi@gmail.com

rajabian@wrc.ir

۳. استاد خارج فقه و اصول حوزه، قم، ایران.

۴. استاد درس خارج حوزه، قم، ایران.

* محمدپرچوی، زهرا؛ احمدی تبار، احمد و رجبیان، زهره. (۱۴۰۲). شرایط فقهی چند همسری و ابهامات قانونی

Doi: 10.22081/jf.2023.64373.2526

آن. فصلنامه علمی - پژوهشی فقه، ۳۰(۱۱۳)، صص ۹-۳۵.

ادله و تطبیق آن با قوانین مرتبط، به خلأهای قانون و بی توجهی قانون گذار به شرط مسلم فقهی و مصادیق آن پرداخته است و نتیجه آن مغایرت مبنایی مفهوم عدالت مورد نظر فقیهان و حقوق دانها می باشد. افزون بر اینکه مصادیق گوناگون عدالت در چندهمسری (قسم، نفقه، اطلاق وجه)، راههای احراز ابتدایی و اجرای استدامه‌ای و ضمانت اجرای آن از خلأهای این مواد قانونی بوده و اصلاح مواد قانونی بر مبنای فقه پیشنهاد می شود.

کلیدواژه‌ها

تعدد زوجات، قسم، عدالت، نفقه، ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده.



مقدمه

چندهمسری در اصطلاح فقهی به معنای چند تن بودن همسران یک مرد بوده (جمعی از پژوهشگران، ۱۴۲۶ق، ج ۲، ص ۵۲۵؛ محمود عبدالرحمان، بی تا، ج ۲، ص ۵۲۵) و از اعصار قدیم در میان اقوام و ملل گوناگون رواج داشته است. بالابودن ضریب مرگ و میر مردان، تأثیر چندهمسری در شأن اجتماعی آنها، ازدیاد نسل و مسائلی از این دست، از عوامل مهم اقدام مردان به ازدواج‌های چندگانه بوده است (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۱۹، ص ۳۲۵؛ دورانت، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۶۱). دین اسلام با ازدواج بی حد و حصر رایج در اعصار گوناگون (دورانت، ۱۳۷۱، ج ۱، صص ۴۷-۵۱)، به صورت قانونمند و در راستای دفاع از حقوق زنان برخورد کرده و آن را محدود به چهار زن (جوادی علی، بی تا، ج ۵، صص ۵۴۵-۵۴۶) و مشروط به شرایط نمود.

امروزه بخشی از زنان جامعه ما با این مسئله مواجه هستند و در خانواده‌های چندهمسری زندگی می‌کنند. بی توجهی به شرایط تعدد زوجات از سوی برخی مردان، عدم تصریح قانون به شرایط مورد نظر فقیهان و تفاوت مفهوم عدالت مد نظر فقیهان با قانون، از جمله مشکلات خانواده‌های چندهمسری می‌باشد. افزون بر اینکه ضمانت اجرایی لازم برای حمایت از زنانی که مورد ظلم واقع شده‌اند وجود ندارد.

عدالت در قسم، نفقه، اطلاق وجه و توان جنسی مرد در ارضای نیاز همسران از جمله شرایط مطرح شده می‌باشد که با توجه به ادله مطرح شده، تنها سه مورد اول آن قابل اثبات است. اگرچه اصل رعایت عدالت در قسم و نفقه، مورد قبول مشهور فقهاست، اما در کیفیت و کمیت آن اختلافاتی وجود دارد که ناشی از اختلاف روایت‌های این باب است. برای گسترش تحقیق در این باره، کاوش درباره تعداد شروط و ادله آن و تطبیق فقه بر مواد قانون حمایت خانواده از عرصه‌های نیازمند بازپژوهی می‌باشد.

کتاب اسلام و تعدد زوجات استاد مطهری، سال ۱۳۹۹ق، مقاله «عدالت‌مداری در تعدد زوجات از منظر متون اسلامی» از محمدحسین خواجه‌بمی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۳۰، سال ۱۳۹۷، «رعایت عدالت در تعدد زوجات» از مسعود امامی، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شماره ۷۸، سال ۱۳۹۲ و «تعدد

زوجات و شرایط آن در لایحه حمایت خانواده» از لمیا رستمی تبریزی، نشریه خانواده‌پژوهی، شماره ۱۶، سال ۱۳۸۷ برخی از پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه است. وجه افتراق این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها، بررسی تمام شرایط و نقد و بررسی ادله، معرفی قول صحیح و رد قول مخالف می‌باشد. تطبیق شرایط فقهی تعدد زوجات بر ماده ۱۴ و ۱۷ قانون حمایت خانواده و روشن کردن مغایرت آن از جهات گوناگون با فقه، یکی دیگر از اهداف این پژوهش است؛ بنابراین ویژگی این تحقیق بیان اقوال و ادله مورد استناد فقیهان در مورد شرایط چندهمسری، بررسی سندی و دلالتی آنها و در نهایت تطبیق بر مواد قانونی حمایت از خانواده، بیان نواقص و ارائه راهکار برای اصلاح و حمایت از حقوق زنان در خانواده‌های چندهمسری می‌باشد.

۱. شرط عدالت در قسم

عدالت به معنای مساوات (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۲، ص ۵۶۲) و میانه‌روی (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۹۶) در کارها و از شرایط چندهمسری می‌باشد. در آیه ۳ سوره نساء، در فقره «أَلَا تَعْدِلُونَ» از ماده عدل استفاده شده و از اطلاق آن می‌توان عدالت در تعدد زوجات را ثابت کرد. در آیه ۱۲۹ همین سوره از عدم توانایی مرد در رعایت عدالت سخن به میان آمده است. در روایتی از تعارض این دو آیه پرسش شده و حضرت، عدالت در آیه اول را در نفقه و قسم و عدالت در آیه دوم را امور قلبی معرفی می‌کنند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۵)؛ بنابراین عدالت در قسم از جمله شرایط تعدد زوجات است.

۱-۱. تعریف قسم و اقوال فقیهان

قسم به فتح قاف مصدر قسمه الشیء اقسامه و به کسر قاف به معنای حظ و نصیب می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۸۶). قسم آن است که مردی که چند همسر دارد، شب‌های خود را میان همسرانش قسمت کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۱۴۶). به اتفاق فقیهان متقدم و متأخر، رعایت حق قسم بر مرد واجب است و اگر کسی چهار همسر دارد و شب را نزد یکی سپری کرد، لازم است شب‌های دیگر را نزد سایرین بماند، مگر اینکه

یکی از زنان از حق خود صرف نظر کند (بغدادی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۸؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۱۲؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۲۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۱۴۸). این مسئله بیانگر اشتراکی بودن حق قسم است؛ همچنین در روایت‌ها آمده که زن می‌تواند حق قسم خود را به دیگری واگذار کند. راوی می‌گوید: از بردارم امام کاظم علیه السلام سؤال کردم که مردی دو زن دارد و یکی از دو زن گفت دو شب و دو روز که حق من است را یک روز یا یک ماه یا یک سال به تو می‌فروشم، آیا جایز است؟ حضرت فرمودند: «اگر زن راضی به این معامله باشد و مرد هم این حق را از او بخرد، معاوضه صحیح است» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۴). علاوه بر آن در روایت صحیحی آمده: زن می‌تواند در موارد خوف از طلاق و یا ازدواج همسرش با فرد دیگر، در مورد نفقه و قسم با همسرش مصالحه کند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۳). مصالحه و یا بخشش حق قسم و نفقه، اشتراکی بودن این حق را ثابت می‌کند؛ همان‌گونه که یکی از همسران پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله حق خود را به دیگری بخشید (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۰).

۲-۱. حکم قسم

بنا به نظر برخی فقیهان، قسم پس از عقد و تمکین بر مرد واجب می‌شود (بغدادی، ۱۴۱۳ق، صص ۵۱۸-۵۱۷؛ حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۳، صص ۹۰-۹۱؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱). آیه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» (نساء، ۱۹)، «فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً» (نساء، ۳)، فقره‌ای که در روایت امام صادق علیه السلام (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۳۹) و روایت‌هایی که از معامله حق قسم میان زن و شوهر پرسش می‌شود (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۴)، از ادله این قول می‌باشد.

در مقابل، مشهور فقیهان (حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۷۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۵۹۱؛ طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۴، ص ۴۱۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، صص ۱۴۸-۱۵۵؛ سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، صص ۲۰-۲۱۱؛ خمینی، بی تا، ج ۲، ص ۳۰۳) قسم را در صورت شروع از یکی از همسران، بر مرد واجب می‌دانند؛ به این معنا که تقسیم عادلانه شب‌ها ابتدئاً بر مرد واجب نیست و تنها در صورتی که شب را نزد یکی از همسران ماند، نزد بقیه نیز باید یک شب بماند.

آیه ۳ و ۱۲۹ سوره نساء، صحیحه حلی که در آن ترجیح یک همسر بر دیگر جایز

دانسته شده (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۳۷)، روایت از امام موسی بن جعفر علیه السلام که حضرت فرمود: برای مرد چهار شب است، پس برای یکی، یک شب قرار دهد و برای دیگری سه شب قرار دهد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۷)، روایت حسن بن زیاد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۳۷، ج ۲) و صحیحۀ محمد بن مسلم (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۳۹) از جمله ادله مورد استناد مشهور فقیهان می‌باشد.

از میان این دو قول، قول دوم مورد پذیرش است؛ چراکه آیه ۳ سوره نساء و جوب ابتدایی قسم را ثابت نمی‌کند و تنها امر به رعایت عدالت در آن آمده است؛ بنابراین حداکثر مثبت و جوب قسم در صورت شروع از یک زوج می‌باشد؛ بنابراین اگر مردی از یکی از همسران شروع کند و دیگری را رها کند، خلاف معاشرت به معروف عمل کرده است؛ و الا با عدم تقسیم ابتدایی شب‌ها، خلاف این آیه عمل نکرده است. علاوه بر آن زوج می‌تواند بدون شروع ابتدایی قسم، با انفاق به زوج، خوش خلقی و حتی ماندن چند ساعت در شب یا روز به آیه عمل کند. پس در نتیجه این آیه، وجوب قسم ابتدایی را ثابت نمی‌کند. دلالت روایت‌ها نیز در اثبات این امر قاصر است؛ چراکه شاید منظور از تقسیم، در صورت شروع از یکی از همسران و صرف نظر کردن از قسم، پس از شروع قسم باشد. تاسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در تقسیم شب‌ها میان همسران (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۰) نیز در این مسئله صحیح نیست؛ چراکه اولاً، این روایت مرفوعه است؛ ثانیاً، شاید فعل پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پس از شروع قسم بوده؛ ثالثاً، به تصریح قرآن رعایت قسم بر حضرت واجب نبود (احزاب، ۵۱). افزون بر آن حضرت به مدت یک ماه همسران خود را به علت اذیت و آزار برخی ترک کردند، در حالی که ایذاء از جانب همه نبود. اگر قسم بر حضرت واجب بود، همه را ترک نمی‌کردند (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۲۱، ص ۹۹).

۳-۱. زمان قسم

رعایت حق قسم یکی از مصادیق مهم عدالت در تعدد زوجات است و با توجه به اهمیت آن، در منابع فقهی تمام جزئیات آن مطرح شده تا مکلفین در عمل به این اصل

مهم، با جزئیات دقیق آن آشنا باشند. بنا به نظر مشهور فقیهان، زمان قسم شب است و این مسئله اختلافی نیست (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۱۶۲) و با توجه به روایت‌های باب قسم که در آن کلمه لیل آمده، قابل اثبات است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، صص ۳۳۷-۳۳۸). به‌رغم اینکه مشهور فقیهان رعایت قسم در روز را واجب نمی‌دانند، اما می‌توان از قول شیخ طوسی در مبسوط این‌گونه استظهار کرد که قسم، شامل روز هم می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۳۲۷). علاوه بر شیخ طوسی، علامه در تحریر، روز را تابع شب دانسته و می‌گوید: مرد فقط در مواقع حاجت و بدون معطلی می‌تواند جای دیگری برود (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۳، ص ۵۹۱) و به دو روایت در این زمینه اشاره می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: «بر مرد واجب است که میت در شب داشته باشد و صبح روز بعد هم نزد زنان بماند» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۲). این روایت صحیح‌السند است و فقره «یظل عندها صبیحتها» نشان‌دهنده این است که قسم شامل روز هم می‌شود. در روایتی دیگر آمده که امام علی علیه السلام زمانی که دو همسر داشت، در روزی که برای یکی از همسران بود، در منزل دیگری وضو نمی‌گرفت (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۳). در پاسخ به ادله شیخ طوسی می‌توان گفت که مشهور فقیهان به مضمون این روایت‌ها عمل نکرده و ماندن در روز را واجب ندانسته‌اند. افزون بر اینکه صبیحه در لغت، اول روز که مخالف عصر است می‌باشد، نه تمام روز: «الصُّبْحُ: أَوَّلُ النَّهَارِ. وَ الصُّبْحُ: الْفَجْرُ وَهُوَ الصَّيْحَةُ وَ الصَّبَاحُ...» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۵۰۲). روایت دوم نیز ضعیف‌السند و مرفوعه بوده و از محل بحث خارج است.

در مجموع می‌توان گفت در روایت‌های باب قسم، واژه لیل و برخی روایت‌ها واژه یوم و صبیحه نیز آمده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، صص ۳۴۲، ۳۴۷). واژه لیل به‌وضوح بیتوته در شب را ثابت کرده و در اصطلاح لیل، به محدوده میان غروب و طلوع فجر یا طلوع شمس گفته می‌شود (مشکینی، بی‌تا، ص ۵۷۸)؛ بنابراین روایت‌هایی که در آن یوم و صبیحه آمده، حمل بر استحباب ماندن در ابتدای صبح می‌شود؛ کما اینکه برخی از فقیهان به این مطلب اشاره کرده‌اند (عاملی، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۴۱۳).

افزون بر اینکه سیره متشرعه، بر بیتوته بر شب دلالت دارد و پذیرش قول ماندن در

روز، فروع و مشکلات عدیده‌ای را به همراه دارد؛ به طور مثال اگر مرد بخواهد در روز برای امرار معاش اجیر کسی شود و یا امور واجب دیگری مانند جهاد و ... پیش آید، باید از صاحب همان روز اجازه بگیرد، و الا نمی‌تواند.

۴-۱. افعال واجب قسم

بعد از بررسی عدالت در قسم و زمان قسم، پرسشی مطرح می‌شود که آیا صرف بیتوته در شب کافی است و یا اینکه علاوه بر بیتوته، مضاجعه و مواقعه نیز واجب است؟ منظور از مضاجعه آن است که مرد شب را نزد همسرش در یک رختخواب، نزدیک او و در بیشتر اوقات رو به او بخوابد، به صورتی که دور از او نباشد، اگرچه لازم نیست که به او بچسبد (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۹). با توجه به ادله مواقعه واجب نیست؛ زیرا اصل عدم وجوب مواقعه است و از طرف دیگر مواقعه حق مرد است و زن در هر چهار ماه یک مرتبه حق نزدیکی دارد. علاوه بر آن این مسئله همیشه مقدر نیست و به مزاج و نشاط مرد بستگی دارد (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۵۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۹).

در مورد مضاجعه یا بیتوته در شب، میان فقیهان دو قول وجود دارد. برخی قائل به وجوب مضاجعه هستند (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۵۹۵؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۹؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱). شیخ طوسی مضاجعه را مطرح نکرده‌اند، ولی شاید بتوان از این کلام ایشان «بات عندها إن شاء جامعها و إن شاء لم یفعل؛ نزدیک او بخوابد اگر خواست مجامعت می‌کند» مضاجعه را استظهار کرد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۲۶).

ادله

وجوب مضاجعه با توجه به آیه ۱۹ سوره نساء که در آن معاشرت به معروف آمده، تأسی به رسول اکرم ﷺ (بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۵۹۵؛ نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۱۹) و روایت ابراهیم کرخی که صحیح السند است، قابل اثبات می‌باشد. راوی می‌گوید از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مردی چهار زن دارد و نزد سه زن بیتوته

می‌کند و با آنها مجامعت می‌کند، زمانی که نزد زن چهارم در شبی که مختص او بود رفت با او مجامعت نکرد، آیا این کار او گناه است؟ حضرت فرمودند: «بر مرد واجب است که میبت در شب داشته باشد و صبح روز بعد هم نزد آنان بماند و بر او واجب نیست که با آنها مجامعت کند، اگر خودش مایل نبود» (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۳). واژه «ان یبت عندها» یا «ان یکون عندها» ماندن در نزد زن به معنای متعارف است و این مسئله با ماندن در یک منزل با همسر و مضاجعه محقق می‌شود. اگرچه ممکن است در همهٔ مواقع به دلیل وجود موانعی از جمله کمبود مکان و حضور فرزندان و ... مضاجعه امکان پذیر نباشد. روایت حسن بن محبوب که به همین مضمون است نیز به این مسئله اشاره دارد (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۳۴۳).

اگرچه تأسی به رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این مسئله به دلیل عدم وجوب قسم بر حضرت دلیل درستی نیست، اما با توجه به دیگر ادله به خصوص «وعاشروهن بالمعروف» و روایت‌ها ابراهیم کرخی و حسن بن محبوب، مرد باید تا حد امکان مضاجعه را رعایت کند؛ چراکه از دیدگاه عرف اگر مرد شب را در منزل همسر سپری کند و با او در یک رختخواب و نزدیک او نخوابد، خلاف معاشرت معروف عمل کرده است.

در مجموع با توجه به ادله می‌توان گفت: یکی از مصادیق بارز عدالت که مورد اتفاق فقیهان متقدم و متأخر است، رعایت قسم بوده؛ بنابراین در صورت وجود چهار همسر و شروع از یکی از همسران قسم بر مرد واجب است. زمان قسم شب و ابتدای صبح است و تنها فعل واجب قسم، بیتوته می‌باشد.

بیان جزئیات قسم در کلام فقیهان و ادلهٔ وارده بیانگر اهمیت عدالت در قسم و توجه به جزئیات آن است. این حکم برای تحکیم بنیان خانواده، حفظ ارتباط مرد با دیگر همسران و مصالح دیگر از جمله جلوگیری از فروپاشی خانواده‌های چندهمسری صادر شده است.

در جامعهٔ فعلی ما، بخش زیادی از دعاوی خانوادگی در دادگاه‌های خانواده مربوط به چندهمسری و تزییع حقوق زنان است. پیش‌نویس قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ در صدد رفع مشکلات زنان و رفع کمبودهای قوانین گذشته بود که در نهایت به

دلیل اعتراضات صورت گرفته حذف گردید و به قوانین قبلی بسنده شد. در شرایط مندرج در عقدنامه‌ها، شرط دوازدهم از شروط ضمن عقدی که برای زوجه حق طلاق ایجاد می‌کند، عدالت میان همسران ذکر شده است؛ همچنین در بند ۱۲، ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ و ماده ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳ تنها به مفهوم کلی عدالت اشاره شده و رعایت قسم که کلیت آن از مصادیق مورد اتفاق فقهاست، مورد غفلت واقع شده است. امروزه با توجه به افزایش مباحث چندهمسری در فضای مجازی و حقیقی و تبلیغ برخی مؤسسات در جهت ترویج چندهمسری به منظور کاهش فساد و فحشا و حل معضل جمعیتی کشور بدون توجه به شرایط آن، بازبینی قانون حمایت خانواده و ارائه راهکار مناسب اهمیت به‌سزایی دارد. برخی مردان با اقدام به چندهمسری بدون توجه به رعایت شرایط ابتدایی و استفاده‌ای، زنان را کالمعلقه رها می‌کنند و توجهی به رعایت قسم که از حقوق همسران در خانواده‌های چندهمسری است ندارند؛ بنابراین عدالت در قسم، کیفیت احراز ابتدایی و اجرای استفاده‌ای و ضمانت اجرای قانونی آن از خلأهای قوانین حمایت از خانواده می‌باشد و نیازمند بازنگری است.

۲. شرط عدالت در نفقه

یکی دیگر از مصادیق عدالت که از شروط چندهمسری است، عدالت در نفقه می‌باشد. نَفَقَه در لغت به معنای بخشش و بخشیدن (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۸۶) و در اصطلاح به همان معنای لغوی - چیزی که فرد از اموالش می‌بخشد - می‌باشد (مشکینی، بی‌تا، ص ۵۴۴؛ سعدی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۵۸). در مورد مقدار نفقه دو قول وجود دارد. مشهور فقیهان از جمله شهید ثانی نیازهای زن از جمله طعام، خورشت، لباس و ... را ملاک نفقه می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۴۵۵؛ حلی، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۹۳). صاحب جواهر نیز به علت اطلاق نصوص، نیازهای عرفی زن را مطرح می‌کند (نجفی، ۱۴۰۴ق، ج ۳۱، ص ۳۳۰). اما شیخ طوسی نفقه زوجه را مطلقاً یک مد طعام در نظر گرفته (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۱۲)، ولی در کتاب مبسوط قائل به تفصیل شده و برای شوهر توانگر هر روز دو مد طعام و معسر و

فقیر، یک مد و اگر از وضع معیشتی متوسطی برخوردار باشد، یک مد و نیم در نظر گرفته است (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۶، ص ۷).

۱-۲. معنای عدالت در نفقه

عدالت در لغت به معنای تساوی (اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۵۵۱) و میانه‌روی در امور و خلاف ظلم و جور است (فیومی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۳۹۶). عدالت در نفقه، رعایت تساوی و برابری میان دو همسر نیست، بلکه منظور رعایت اعتدال و میانه‌روی و دوری از افراط و تفریط است، به گونه‌ای که فردی مورد ظلم و ستم قرار نگیرد (جوهری، ۱۴۱۰ق، ج ۵، ص ۱۷۶۰؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۵۶۹)؛ بنابراین اگر فردی به هریک از همسران نفقه‌مورد نیاز آنها را بدهد، به عدالت رفتار کرده، هرچند تساوی در بینشان نباشد، ولی اگر به همه همسران به صورت مساوی نفقه دهد، ولی برخی همچنان محتاج و گرسنه باشند و برخی دیگر بیش از مقدار نیازشان دریافت کرده باشند، به عدالت رفتار نکرده و از مصادیق ظلم است. فلذا رعایت تساوی در مقدار، گاهی مصداق عدالت و گاهی دلیل بر بی‌عدالتی می‌باشد.

عدالت در نفقه به معنای تساوی نیز در کلام فقیهان مطرح شده است و در این زمینه چند قول وجود دارد: ۱. نفقه و دیگر حقوق زوجیت نمی‌تواند متعلق عدالت باشد؛ زیرا این امور به حسب حال زوجه تغییر می‌کند و بر مرد، تنها واجب است که نفقه‌مورد نیاز و مناسب شأن هر یک از زنان را بپردازد (بغدادی، ۱۴۱۳ق، ص ۵۱۸). ۲. رعایت تساوی، در مقدار نفقه شرط نیست، پس مرد می‌تواند پس از رعایت نفقه واجب، به برخی از زنانش بیش از دیگران انفاق کند (قمی، ۱۴۱۵ق، ص ۳۱۹؛ طرابلسی، ۱۴۰۶ق، ج ۲، ص ۲۵۵). ۳. تفضیل برخی از زنان که در روایت‌ها آمده، حمل بر کراهت شده و تسویه افضل است (طوسی، ۱۳۹۰، ج ۳، ص ۲۴۱؛ حلی، ۱۴۱۸ق، ج ۱، ص ۱۹۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ق، ج ۲۴، ص ۶۱۰). شهید ثانی نیز تساوی در نفقه را به علت رعایت عدل و انصاف مستحب مؤکد می‌داند (شهید ثانی، ۱۴۱۳ق، ج ۸، ص ۳۳۶).

در جمع‌بندی این اقوال می‌توان گفت که عدالت به معنای تساوی شرط نیست، ولی مرد باید مقدار نفقه واجب هر زن را با توجه به نیازهای او پردازد و مستحب است در این مسئله عدالت را رعایت کند.

۳. اطلاق وجه و خوش‌رویی

یکی دیگر از شروط تعدد زوجات که از مصادیق عدالت است، اطلاق وجه و خوش‌رویی می‌باشد و این مسئله با توجه به آیه «وعاشروهن بالمعروف» (نساء، ۱۹) قابل اثبات است (طبرسی، ۱۴۱۰ق، ج ۳، ص ۴۰؛ طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۵۵). افزون بر اینکه با توجه به آیه ۳ و ۲۹ سوره نساء و روایت ذیل آن که در مباحث قبل مطرح شد، اگرچه عدالت قلبی ممکن نیست، اما رعایت عدالت در اخلاق و رفتار و خوش‌رویی با همسران کاملاً امکان‌پذیر است. نکته‌ای که به طور عمده مورد غفلت واقع می‌شود این است که ممکن است دوست داشتن یک فرد از اختیار انسان خارج باشد، ولی اطلاق وجه و خوش‌رویی و ابراز محبت و علاقه زبانی از اموری است که کاملاً در توان مرد است و فقیهان به طور عمده این مسئله را مطرح نکرده‌اند و این در حالی است که اهمیت این مسئله در برخی موارد کمتر از اهمیت قسم و نفقه نیست. بی‌توجهی مرد به این مسئله و عدم مدیریت او، منزوی شدن برخی همسران، ایجاد حسادت، اختلاف و دشمنی میان همسران و فرزندان را به همراه دارد. علاوه بر اینکه امروزه با توجه به گسترده‌گی زندگی اجتماعی و ارتباط زنان با جنس مخالف در فضاهای حقیقی و مجازی، غفلت از این مسئله و کمبود از این ناحیه، صدمات غیر قابل جبرانی را به زن، خانواده و فرزندان وارد می‌کند که مسئولیت پیامدهای آن متوجه مرد است؛ بنابراین مرد وظیفه دارد در کنار عدالت در قسم و نفقه، در این موارد نیز به عدالت رفتار کند و نیازهای عاطفی زنان خود را برطرف نماید.

۴. توان جنسی

توان جسمی و جنسی مرد برای ارضای نیازهای جنسی همسران نیز می‌تواند به عنوان

یکی دیگر از شرایط تعدد زوجات باشد که در برخی پژوهش‌ها مطرح شده (نادری، ۱۳۸۸، ص ۱) و استاد مطهری نیز از قول برخی ذکر کرده است (مطهری، ۱۳۹۹ق، ج ۱۹، ص ۳۴). در آیه ۱۹ سوره نساء (وعاشروهن بالمعروف)، امر به معاشرت به معروف شده و تأمین نیازهای جنسی زن یکی از مصادیق آن است. بنا به نظر شیخ طوسی، هریک از زن و شوهر وظیفه دارد حقوق طرف مقابل را رعایت کند، تا جایی که طرف مقابل نیاز به دیگران یا رجوع به حاکم و وکیل نداشته باشد (طوسی، ۱۳۸۷، ج ۴، ص ۳۲۴). محقق سبزواری نیز می‌گوید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» شامل همهٔ جهات و خصوصیات و حالات و دیگر امور می‌گردد (سبزواری، ۱۴۱۳ق، ج ۲۵، ص ۲۹۸). حال با توجه به این آیه شریفه، توانایی جسمی برای پاسخ‌دادن به نیازهای زن از مصادیق معاشرت به معروف است؛ زیرا اگر مردی اقدام به تعدد زوجات کند، ولی از نظر جسمی توانایی این امر را نداشته باشد خلاف معاشرت به معروف عمل کرده است. افزون بر اینکه در بسیاری از روایت‌ها به حسن معاشرت با همسر سفارش شده (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱؛ ج ۲۱، ص ۵۱۲) و یکی از مصادیق بارز آن ارضای نیازهای جنسی زن است. از امام رضا علیه السلام در مورد «امساک بالمعروف» پرسش شده است، حضرت فرمودند امساک بالمعروف خودداری از آزار و اذیت زن و پرداخت نفقهٔ اوست (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۱، ص ۵۱۲). در روایتی دیگر، عیال فرد به منزلهٔ اسرای مرد معرفی و به حسن معاشرت با آنها سفارش شده است (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱). در برخی روایت‌ها، کسانی که با عائلهٔ خود بد رفتاری می‌کنند مورد لعن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قرار گرفته‌اند (عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۱۷۱).

بنابراین با توجه به این ادله، توان جنسی برای ارضای نیاز همسران از شرایط تعدد زوجات است و اگر مردی توانایی نداشت نباید اقدام به چندهمسری کند.

در پاسخ می‌توان گفت: هیچ یک از ادلهٔ فوق برای اثبات توان جسمی و جنسی مرد کافی نیست؛ زیرا اولاً، معاشرت به معروف می‌تواند به صورت دیگری از جمله رعایت حق قسم، پرداخت نفقه، اطلاق وجه و ... صورت پذیرد. علاوه بر اینکه «عاشروهن بالمعروف» نمی‌تواند مقید لزوم توانایی مرد باشد؛ چرا که ممکن است ابتدائاً مرد توانایی داشته و در ادامه توانایی جنسی لازم را از دست بدهد و این مسئله از توان مرد خارج

باشد؛ بنابراین معاشرت به معروف با توجه به توان افراد معنا پیدا می‌کند. ثانیاً، یکی از حقوق زوجه بر زوج حق قسم است و با توجه به ادله مطرح شده، فقط بیتوته و مضاجعه بر مرد واجب است. از طرف دیگر موافقه حق مرد است و زن در هر چهارماه یک مرتبه حق نزدیکی دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ج ۳۱، ص ۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ج ۸، ص ۳۱۹). ثالثاً، هر سه روایت از نظر سندی ضعیف هستند و وجوب این شرط را ثابت نمی‌کنند. رابعاً اگرچه ناتوانی جنسی مرد برای زن به خصوص در فضای کنونی جامعه، ارتباط افراد با هم در فضاهای مجازی و حقیقی و تا حدی عدم رعایت موازین شرعی مشکلاتی را به همراه دارد، اما در صورتی که دوام زوجیت با مردی که توانایی برقراری ارتباط جنسی را ندارد، موجب عسر و حرج زوجه باشد، وی می‌تواند به حاکم شرع مراجعه و تقاضای طلاق کند. چنانچه عسر و حرج مذکور در محکمه ثابت شود، دادگاه می‌تواند زوج را اجبار به طلاق نماید و در صورتی که اجبار میسر نباشد، زوجه به اذن حاکم شرع طلاق داده می‌شود (یزدی، ۱۴۰۶، ج ۲، ص ۱۰۳). در مجموع می‌توان گفت با توجه به ادله مطرح شده، عدالت در قسم، نفقه و اطلاق وجه از شروط تعدد زوجات است.

۵. بررسی شرط عدالت در قانون

خانواده یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی می‌باشد و حقوق نقش به‌سزایی در استحکام خانواده دارد. در قانون مدنی ایران، تعدد زوجات با توجه به فقه اسلامی جایز دانسته شده است. ادله جواز تعدد زوجات، نازایی زن، عدم قدرت در انجام وظایف زناشویی، ابتلای زن به امراض صعب‌العلاج یا جنون و عدم تمکین زن از شوهر می‌باشد.

در حقوق ایران قبل از قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۴۶، تعدد زوجات در صورتی که از حد مقرر تجاوز نمی‌کرد مجاز بود. قانون مدنی از قدرت به اجرای عدالت به‌عنوان شرط تعدد زوجات سخنی نگفته بود و از نظر حقوقی هیچ مانعی برای اینکه مرد چند زن بگیرد وجود نداشت (صفایی و امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶).

زمانی که مبانی اخلاقی و مذهبی مردم استوار باشد، مرد به علت پابندی به

دستورات مذهبی، جز در موارد استثنایی و با اجرای عدالت اقدام به چندهمسری نمی‌کند (صفایی و امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۰۶). اما امروزه در عصری زندگی می‌کنیم که پابندی برخی افراد به مبانی اخلاقی و مذهبی بسیار سست است و آزاد گذاشتن مردها در این مسئله مشکلات عدیده‌ای برای همسران و فرزندان به همراه دارد و تنها راهکار عملی آن درخواست طلاق عسر و حرجی است که مستلزم گذشتن زن از تمام حقوق مالی و مطالبات گذشته و موجب تورم پرونده‌ها در دادگاه و ایجاد ضایعات روحی برای زنان و خانواده‌هاست. به همین جهت در قانون حمایت خانواده سال ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ اختیارات مرد در این زمینه محدود شده است.

در ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده آمده است که هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری را اختیار نماید باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه وقتی اجازه همسر جدید را خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و در صورت امکان تحقیق از زن فعلی، توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون تحصیل اجازه از دادگاه مبادرت به ازدواج نماید، به مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰-۱۳۱۶ محکوم خواهد شد.

این مواد قانونی مبنای اساسی با فقه ندارد و تعدد زوجات را منع نکرده، بلکه یک نظارت قضایی برای اجرای عدالت پیش‌بینی کرده است. اما نکته مورد تأمل، عدم وضوح مفهوم عدالت در این مواد قانونی می‌باشد. با توجه به ادله مشهور فقیهان، عدالت یکی از شروط اصلی تعدد زوجات بوده و عدالت در قسم، نفقه و اطلاق وجه از مصادیق آن است، اما عدالت مطرح شده در این مواد قانونی به چند دلیل با عدالت مطرح شده در منابع فقهی مغایرت دارد.

۱. مفهوم عدالت در ماده قانونی، عدالت مرد نسبت به همسر اول است؛ به این صورت که دادگاه با توجه به اوضاع و احوال و با بررسی اخلاق و رفتار شوهر با همسر اول تشخیص دهد که شوهر در صورت داشتن چند همسر، توانایی اجرای عدالت را دارد. به بیان دیگر احراز عدالت در مرد نسبت به همسر اول، برای قبل از ازدواج مجدد مد نظر قانون گذار بوده و این درحالی است که بنا به نظر فقیهان عدالت مرد در اختیار

چند همسر شرط است و این مسئله منحصر به احراز عدالت در مورد زوجه اول نیست و عدالت یک فرد از جهات گوناگونی قابل تشخیص است. علاوه بر اینکه رعایت عدالت نسبت به دو یا چند همسر به مراتب مشکل‌تر از یک همسر است.

۲. آنچه مورد اتفاق فقیهان می‌باشد وجوب عدالت در قسم، نفقه و اطلاق وجه در میان همسران متعدد است؛ بنابراین کسی که شرایط اجرای عدالت را ندارد، ابتدائاً نباید اقدام به ازدواج مجدد کند؛ چراکه مرتکب معصیت می‌شود و اگر اقدام کرد، گرچه حکم وضعی بطلان را در پی ندارد، اما به علت ترک واجب معصیت کرده و یکی از مواردی است که فرد مرتکب خلاف شرع بین شده است؛ چراکه موضوعی که شرع به طور مسلم واجب کرده، ترک کرده است. با توجه به اثبات تعزیر در مورد همه گناهان از سوی حاکم (یزدی، ۱۴۰۶ق، ج ۴، ص ۲۳۷)، ترک عدالت می‌تواند از موارد تعزیر باشد؛ بنابراین اگر دادگاه احراز کند که با توجه به شواهد و قرائن همچون وضعیت مالی، اجتماعی، اخلاقی، مردی بدون اینکه واجد شرایط باشد اقدام به ازدواج مجدد کرده و یا عدالت را رعایت نکرده، می‌تواند از جهت ترک واجب اقدام به تعزیر او نماید.

۳. به این مسئله می‌توان به صورت حکم ثانوی نیز نگریست. اگرچه ازدواج بنا به نظر برخی فقیهان مستحب است (یزدی، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۷۴۷) و تعدد زوجات نیز امری مباح و مشروع است، ولی ممکن است این امر مباح دستاویزی برای ظلم و تعدی به دیگران شود. طبیعی است که استفاده از حق نمی‌تواند خاستگاه ضرر به دیگران باشد؛ بنابراین باید ازدواج مجدد را منوط به موارد ضرورت و به تشخیص و اجازه دادگاه و الزام به رعایت عدالت مد نظر فقیهان دانست و برای آن ضمانت اجرای مجازات تعزیری اعم از جریمه نقدی و محرومیت‌های اجتماعی در نظر گرفت.

۴. افزون بر اینکه کیفیت احراز عدالت مرد برای اقدام به تعدد زوجات ابهام دارد. برابرماده ۱۷ قانون حمایت خانواده ۱۳۵۳، به جای احراز قدرت مرد به اجرای عدالت، از احراز اجرای عدالت در مورد بند ۱ ماده ۱۶ سخن گفته است؛ یعنی برابر قانون ۱۳۵۳، دادگاه فقط در صورت احراز اجرای عدالت در مورد همسر اول، با ازدواج مجدد مرد موافق است؛ یعنی باید احراز کند که مرد نسبت به همسر اول عدالت را رعایت کرده

است (صفایی و امامی، ۱۳۹۶، ص ۱۱۰). احراز این نوع عدالت به راحتی امکان‌پذیر نیست؛ چراکه شوهرمی تواند بازن سوء معاشرت داشته و با زور و تهدید، رضایت همسر اول مبنی بر اجرای عدالت در مورد خودش را جلب کند. درحالی‌که این نوع احراز عدالت تأثیری ندارد؛ چراکه مرد نه تنها اجرای عدالت نکرده، بلکه این رضایت از روی اکراه و گاهی تنها صوری است و مجوز اختیار دو یا چند زن نیست. علاوه براینکه اگر احراز عدالت مرد از سوی همسرش را به‌عنوان شهادت تلقی کنیم، رعایت نصاب در شهادت زنان لازم است (یزدی، ۱۴۰۶ق، ج ۳، ص ۶۷)؛ بنابراین شهادت یک زن کافی نیست.

۵. باید توجه داشت که همه شروط با هم مدنظر فقیهان بوده بنابراین عدالت درقسم و نفقه و اطلاق وجه در مورد همسران متعدد مرد باید مدنظر قانون‌گذار باشد و بیان یک مورد و احراز ابتدایی آن کافی نیست و بر اساس فقره «وان خفتم الاتقسطوا» از آیه، اجرای عدالت در ادامه زندگی هم واجب است و باید سازمان یا نهاد حمایتی دراین زمینه وجود داشته باشد.

۶. مجازات مقرر در ماده ۵ قانون ازدواج ۱۳۱۰-۱۳۱۶ ضمانت اجرای مناسبی برای این مواد قانونی نیست و ضمانت اجرای متناسب با حفظ استحکام خانواده و در جهت حمایت از حقوق زنان پیشنهاد می‌شود.

با توجه به عدم انطباق مواد قانونی تعدد زوجات بر فقه و نظر مشهور فقیهان، با اینکه قانون‌گذار عدالت را مدنظر قرار داده، اما مفهوم عالی عدالت و مصادیق آن و کیفیت احراز، اجرای استدامه‌ای و ضمانت اجرای آن مغفول واقع شده است.

پیشنهاد اصلاح ماده قانونی

از آنجایی که حکومت وظایفی در قبال خانواده‌ها دارد، باید سازمان یا نهادی برای رسیدگی به امور خانواده وجود داشته باشد تا در موارد اینچنین افراد به آن مراجعه کرده و با توجه به نظر کارشناسان و احراز شرایط اقدام به ازدواج مجدد نمایند و یا در ادامه در صورت عدم اجرای عدالت به دعاوی رسیدگی شود. برای اصلاح ماده قانونی پیشنهاد می‌شود:

۱. علل مشروع و موجه تقاضای ازدواج مجدد در قانون نام برده شود و

دادخواست ازدواج مجدد دائم، منوط به وجود یکی از علل به دادگاه به طرفیت زوجه ارائه شود.

۲. شرایط مورد اتفاق فقیهان از جمله عدالت در قسم، نفقه، اطلاق وجه در ماده قانونی به صراحت ذکر شده و نحوه احراز آن بیان شود.

۳. دادگاه می‌باید با توجه به اوضاع و احوال و با بررسی اخلاق و رفتار شوهر از جهات گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی تشخیص دهد که شوهر در صورت ازدواج مجدد، توانایی اجرای عدالت میان زنان گوناگون را دارد.

۴. نهاد مشاوره تخصصی در احراز شرایط و یا صلاحیت ازدواج مجدد پیش‌بینی شود.

پیشنهاد‌های قانونی

۱. پیش‌بینی نظارت حاکم برای اجرای عدالت

۲. جرم‌انگاری امتناع زوج از اجرای عدالت

۳. برای حفظ مصلحت خانواده، منوط کردن اختیار همسر بعدی به اجازه دادگاه

۳. پیشنهاد تعزیر برای عدم اجرای عدالت

۴. طلاق حاکم در صورت اثبات عسر و حرج زوجه

با توجه به نکات بالا پیشنهاد اصلاحیه ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده

هرگاه مرد بخواهد با داشتن زن، همسر دیگری اختیار نماید، باید از دادگاه تحصیل اجازه کند. دادگاه با توجه به علل مشروع، تقاضای ازدواج مجدد که در قانون آمده است، وقتی اجازه همسر جدید را خواهد داد که با انجام اقدامات ضروری و تحقیق از اوضاع و احوال فرد از جهات گوناگون فردی، خانوادگی و اجتماعی توانایی مالی مرد و قدرت او را به اجرای عدالت در نفقه، قسم و اطلاق وجه احراز کرده باشد. هرگاه مردی بدون داشتن شرایط لازم و یا بدون تحصیل اجازه از دادگاه، مبادرت به ازدواج نماید و یا در ادامه زندگی مشترک، در اجرای عدالت در موارد بالا کوتاهی کند، تعزیر خواهد شد و در صورت اثبات عسر و حرج برای زوجه حکم طلاق صادر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

در مجموع می‌توان گفت عدالت در قسم، نفقه و اطلاق وجه از شرایط تعدد زوجات بوده است. فقیهان در افعال واجب قسم بر روی حداقل اتفاق نظر دارند و آن بیتوته و مضاجعه بوده و واقعه و ماندن در روز شرط نیست. مرد باید نفقه مورد نیاز همسرانش را با توجه به احتیاجاتشان و آنچه در عرف رایج است بپردازد. علاوه بر آن مستحب است که در این امر تساوی را رعایت کند. اطلاق وجه و خوش‌رویی یکی دیگر از شرایط می‌باشد.

توان جنسی مرد، از شرایط تعدد زوجات نیست و ادله در اثبات این امر قاصر است و اگر زن در این زمینه با مشکلاتی مواجه است، می‌تواند از راه‌های قانونی اقدام نماید. قانون حمایت خانواده ۱۳۴۶ و ۱۳۵۳ و ماده ۱۴ قانون حمایت خانواده با اشکالات اساسی روبه‌روست. عدم مطابقت شرایط مورد اتفاق مشهور فقیهان با این مواد قانونی، ابهام در ماده عدالت و کیفیت احراز آن و عدم ضمانت اجرای مناسب از اشکالات آن می‌باشد.

برای حفظ استحکام خانواده، جلوگیری از کاهش آمار طلاق و حمایت از حقوق زنان در خانواده‌های چندهمسری پیشنهاد می‌شود اولاً نهاد یا سازمان حکومتی متشکل از افراد کارشناس در مسائل فقهی و حقوقی خانواده و مشاورین خبره برای رسیدگی به امور خانواده‌ها تأسیس شود. ثانیاً قانون بر مبنای فقه بازمینی شود و شرط عدالت در قسم و نفقه و اطلاق وجه و کیفیت احراز ابتدایی آن از طرق گوناگون مطرح شود و در صورت عدم احراز عدالت، از ازدواج مجدد ممانعت شده و یا در صورت ازدواج مجدد و عدم اجرای عدالت، مجازات تعزیر در نظر گرفته شود.

فهرست منابع

* قرآن کریم ترجمه مکارم شیرازی.

۱. ابن منظور، ابو الفضل جمال‌الدین محمد بن مكرم. (۱۴۱۴ق). لسان العرب (ج ۲، چاپ سوم). بيروت: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع - دار صادر.
۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن (ج ۲ و ۴، چاپ اول). لبنان - سوریه: دار العلم، الدار الشامیة.
۳. امامی، مسعود. (۱۳۹۲). رعایت عدالت در تعدد زوجات. نشریه فقه، (۴)، صص ۴-۲۲.
۴. بحرانی، آل عصفور یوسف بن احمد بن ابراهیم. (۱۴۰۵ق). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة (ج ۲۴، چاپ اول). دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.
۵. بغدادی، مفید، محمد بن محمد بن نعمان عکبری. (۱۴۱۳ق). المقنعة (للشیخ المفید) (چاپ اول). کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۶. جمعی از پژوهشگران (زیر نظر سید محمود هاشمی شاهرودی). (۱۴۲۶ق). فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ج ۲، چاپ اول). قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ج ۲).
۷. جوادعلی. (بی تا). المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام (ج ۵). بی جا: جامعه بغداد.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد. (۱۴۱۰ق). الصحاح - تاج اللغة و صحاح العربیة (ج ۵، چاپ اول). بیروت: دار العلم للملایین.
۹. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۲۰ق). تحریر الأحکام الشرعیة علی مذهب الإمامیة (ط - الحدیثة)، (ج ۳، چاپ اول). قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. حلّی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی. (۱۴۱۳ق). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام (ج ۳، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیة قم.

۱۱. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق). شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام (ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۱۲. حلی، نجم‌الدین جعفر بن حسن. (۱۴۱۸ق). المختصر النافع فی فقه الإمامیه (ج ۱، چاپ ششم). قم: مؤسسه المطبوعات الدینیة.
۱۳. خواجه‌بمی، محمدحسین. (۱۳۹۷). عدالت‌مداری در تعدد زوجات از منظرمتون اسلامی. نشریه اخلاق، (۳۰)، صص ۷۷ - ۹۶.
۱۴. خویی، سید ابوالقاسم موسوی. (۱۴۱۸ق). التنقیح فی شرح العروة الوثقی (تحت اشراف جناب آقای لطفی) (چاپ اول). قم.
۱۵. رستمی تبریزی، لمیا. (۱۳۸۷). تعدد زوجات و شرایط آن در لایحهٔ حمایت خانواده. نشریه خانواده‌پژوهی، (۱۶)، صص ۵۲۵ - ۵۴۱.
۱۶. سبزواری، سید عبد‌الأعلی. (۱۴۱۳ق) مهذب الأحکام (للسبزواری) (ج ۲۵، چاپ چهارم). قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه‌الله.
۱۷. سعدی، ابو حیب. (۱۴۰۸ق). القاموس الفقہی لغة و اصطلاحاً (چاپ دوم). دمشق: دار الفکر.
۱۸. شهید ثانی، زین‌الدین بن علی بن احمد عاملی. (۱۴۱۳ق). مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام (ج ۸، چاپ اول). قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
۱۹. صفایی، سیدحسین؛ امامی، اسدالله. (۱۳۹۶). مختصر حقوق خانواده. تهران: نشر میزان.
۲۰. طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (ج ۴، چاپ پنجم). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۱. طبرسی، امین‌الإسلام فضل بن حسن. (۱۴۱۰ق). المؤلف من المختلف بین أئمة السلف (ج ۳، چاپ اول). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیة.
۲۲. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن (ج ۲۱، چاپ اول). بیروت: دارالمعرفه.
۲۳. طرابلسی، ابن براج قاضی عبد‌العزیز. (۱۴۰۶ق). المهذب (لابن البراج) (ج ۲، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

۲۴. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۹۰ق). الاستبصار فيما اختلف من الأخبار (ج ۳، چاپ اول). تهران: دار الكتب الإسلامية.
۲۵. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۴۰۷ق). الخلاف (ج ۴ و ۵، چاپ اول). قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۶. طوسی، ابو جعفر محمد بن حسن. (۱۳۸۷ق). المبسوط في فقه الإمامية (ج ۴ و ۶، چاپ سوم). تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
۲۷. عاملی، شهید ثانی زین الدین بن علی. (۱۴۱۰ق). الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية (المحشى - كلاتر) (ج ۵، چاپ اول). قم: کتابفروشی داوری.
۲۸. عاملی، محمد بن حسن. (بی تا). أمل الآمل. بی نا، بی جا.
۲۹. عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشيعة (ج ۲، ۲۰ و ۲۱، چاپ اول). قم: مؤسسه آل البيت عليه السلام.
۳۰. فراهیدی، خلیل بن احمد. (۱۴۱۰ق). کتاب العین (ج ۵، چاپ دوم). قم: نشر هجرت.
۳۱. فیومی، احمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی (ج ۲، چاپ دوم). قم: مؤسسه دار الهجرة.
۳۲. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب. (۱۴۱۵ق). القاموس المحيط (ج ۳، چاپ اول). بیروت: دار الكتب العلمية.
۳۳. قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۵ق). المقنع (چاپ اول). قم: مؤسسه امام هادی عليه السلام.
۳۴. محمود عبدالرحمان. (بی تا). معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهية (ج ۲). بی نا، بی جا.
۳۵. مشکینی، میرزا علی. (بی تا). مصطلحات الفقه. بی نا، بی جا.
۳۶. مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). فقه و حقوق (مجموعه آثار) (ج ۱۹، چاپ اول). قم: بی نا، بی جا.
۳۷. نادری، فروزان. (۱۳۸۸). پایان نامه بررسی تعدد زوجات با تکیه بر آراء امام خمینی عليه السلام. تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۳۸. نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام (ج ۳۱، چاپ هفتم). بیروت: دار إحياء التراث العربي.

۳۹. دورانت، ویل. (۱۳۷۱). تاریخ تمدن (مترجم: ابوطالب صارمی، ج ۱). تهران: اقبال.
۴۰. یزدی، سیدمصطفی محقق داماد. (۱۴۰۶ق). قواعد فقه (ج ۲، ۳ و ۴، چاپ دوازدهم). تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۴۱. یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی. (۱۴۲۸ق). العروة الوثقی مع التعليقات (ج ۲، چاپ اول). قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

References

- * The Holy Quran. (Makarem Shirazi, Trans.).
1. A group of researchers (under the supervision of Seyyed Mahmoud Hashemi Shahroudi). (1426 AH). *The Dictionary of Fiqh according to the religion of Ahl al-Bayt* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic jurisprudence encyclopedia institute on the religion of Ahl al-Bayt. [In Arabic]
 2. Ameli, M. (1409 AH). *al-Wasa'il al-Shi'a* (1st ed., Vols. 2, 20 & 21). Qom: Alulbayt Institute. [In Arabic]
 3. Ameli, M. (n.d.). *Amal al-Amel*.
 4. Ameli, Shahid Thani. (1410 AH). *al-Rawda al-Bahiyyah fi Sharh al-Lum'ah al-Dameshqiya* (Kalantar, Ed., 1st ed., Vol. 5). Qom: Davari Bookstore. [In Arabic]
 5. Baghdadi, Mufid, M. (1413 AH). *al-Muqana'ah (Sheikh al-Mufid)* (1st ed.). Sheikh Mufid International Congress. [In Arabic]
 6. Bahrani, A. (1405 AH). *al-Hadaiq al-Nadirah fi Ahkam al-Itrat al-Tahira* (1st ed., Vol. 24). Islamic publishing office affiliated with the community of teachers of Qom Islamic Seminary. [In Arabic]
 7. Durant, W. (1371 AP). *History of Civilization* (Vol. 1, A. Saremi, Trans.). Tehran: Iqbal. [In Persian]
 8. Emami, M. (1392 AP). Observance of justice in polygamy. *Journal of Fiqh*, 4, pp. 22-4. [In Persian]
 9. Farahidi, K. (1410 AH). *Kitab al-Ain* (2nd ed., Vol. 5). Qom: Hijrat Publications. [In Arabic]
 10. Fayoumi, A. (1414 AH). *al-Misbah al-Munir fi Gharib al-Sharh al-Kabir le al-Rafe'ei* (2nd ed., Vol. 2). Qom: Dar al-Hijra Institute. [In Arabic]
 11. Firouzabadi, M. (1415 AH). *al-Qamoos al-Muhit* (1st ed., Vol. 3). Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya. [In Arabic]

12. Heli, H. (1413 AH). *Qawa'id al-Ahkam fi Ma'arifah al-Halal va al-Haram* (1st ed., Vol. 3). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers Society of Qom Islamic Seminary. [In Arabic]
13. Heli, H. (1420 AH). *Tahrir al-Ahkam al-Sharia ala Madhab al-Imamiya* (I - al-Haditha), (1st ed., Vol. 3). Qom: Imam Sadiq Institute. [In Arabic]
14. Heli, N. (1408 AH). *Shara'e al-Islam fi Masa'el al-Halal va al-Haram* (2nd ed., Vol. 2). Qom: Ismailian Institute. [In Arabic]
15. Heli, N. (1418 AH). *al-Mukhtasar al-Nafi fi fiqh al-Imamiyah* (6th ed., Vol. 1). Qom: al-Matbu'at al-Diniya Institute. [In Arabic]
16. Ibn Manzoor, A. (1414 AH). *Lisan al-Arab* (3rd ed., Vol. 2). Beirut: Dar al-Fikr le Tab'a'ah va al-Nashr va al-Tawzi', Dar Sader. [In Arabic]
17. Javad Ali. (n.d.). *al-Mufasal Fi Tarikh al-Arab Qabl al-Islam* (Vol. 5). Jami'ah Baghdad.
18. Johari, I. (1410 AH). *al-Sahah - Taj al-Lugha va Sahah al-Arabiya* (1st ed., Vol. 5). Beirut: Dar al-Ilm le al-Mala'een. [In Arabic]
19. Khajebami, M. H. (1397 AP). Justice in polygamy from an Islamic perspective. *Journal of Ethics*, Institute of Humanities and Cultural Studies, 30, pp. 77-96. [In Persian]
20. Khoei, S. A. (1418 AH). *al-Tanqih fi Sharh al-Urwat al-Wosqa* (under the guidance of Mr. Lotfi) (1st ed.). Qom. [In Arabic]
21. Mahmoud A. (n.d.). *Mujam al-Mustalahat va al-Alfaz al-Fiqhiya* (Vol. 2).
22. Meshkini, M. A. (n.d.). *Jurisprudential terms*.
23. Motahari, M. (1399 AP). *Jurisprudence and Law (collection of works)* (1st ed., Vol. 19), Qom. [In Persian]
24. Naderi, F. (1388 AP). *Investigation of Polygamy Based on Imam Khomeini's Opinions*" [Doctoral dissertation]. Imam Khomeini and Islamic Revolution Research Institute. [In Persian]

25. Najafi, M. H. (1404 AH). *Jawaharlal Kalam fi Sharh Sharae al-Islam* (7th ed., Vol. 31). Beirut: Dar Ihya al-Toras al-Arabi. [In Arabic]
26. Qomi, Sadouq, M. (1415 AH). *al-Mughana* (1st ed.). Qom: Imam Hadi Institute. [In Arabic]
27. Ragheb Esfahani, H. (1412 AH). *Mufradat Alfaz al-Qur'an* (1st ed., Vols. 2 & 4). Lebanon - Syria: Dar al-Ilm, al-Dar Al Shamiya. [In Arabic]
28. Rostami Tabrizi, L. (1387 AP). Polygamy and its conditions in the family support bill. *Journal of Family Studies*, 16, pp. 525-541. [In Persian]
29. Saadi, A. (1408 AH). *al-Qamoos al-Fiqhi Lughah va Istilaha* (2nd ed.). Damascus: Dar al-Fikr. [In Arabic]
30. Sabzevari, S. A. (1413 AH) *Muhadab al-Ahkam (Sabzwari)* (4th ed., Vol. 25). Qom: al-Minar Institute - Office of Hazrat Ayatollah. [In Arabic]
31. Safaei, S. H., & Emami, A. (1396 AP). *Summary of family law*. Tehran: Mizan Publications. [In Persian]
32. Shahid Thani, Z. (1413 AH). *Masalik al-Afham ila Tanqih Sharae al-Islam* (1st ed., Vol. 8). Qom: Institute of Islamic Education. [In Arabic]
33. Tabari, A. (1412 AH). *Jame al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an* (1st ed., Vol. 21). Beirut: Dar al-Ma'arifa. [In Arabic]
34. Tabarsi, A. (1410 AH). *al-Mu'atalif Min al-Mukhtalaf Bayn A'imah al-Salaf* (1st ed., Vol. 3). Mashhad: Islamic Research Association. [In Arabic]
35. Tabatabaei, S. M. H. (1417 AH). *al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an* (5th ed., Vol. 4). Qom: Islamic Publication Office of Society of Teachers of Qom Islamic Seminary. [In Arabic]
36. Terablosi, Ibn B. (1406 AH). *al-Muhadab (Ibn al-Baraj)* (1st ed., Vol. 2). Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Teachers Society of Qom Islamic Seminary. [In Arabic]
37. Tousi, A. (1390 AH). *al-Istibsar Fima Ikhtalaf Min al-Akhbar* (1st ed., Vol. 3). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiya. [In Arabic]

38. Tusi, A. (1387 AH). *al-Mabsut fi fiqh al-Imamiya* (3rd ed., Vols. 4 & 6).
Tehran: al-Maktaba al-Murtazawiya le Ihya al-Athar al-Jafariya. [In Arabic]
39. Tusi, A. (1407 AH). *al-Khilaf* (1st ed., Vols. 4 & 5). Qom: Islamic Publications
Office affiliated with the Qom Seminary Teachers Association. [In Arabic]
40. Yazdi, S. M. K. T. (1428 AH). *al-Urwat al-Wosqa ma'a al-Ta'aliqat* (1st ed.,
Vol. 2). Qom: Publications of Imam Ali Bin Abi Talib School. [In Arabic]
41. Yazdi, S. M. M. D. (1406 AH). *Rules of jurisprudence* (12th ed., Vols. 2, 3 &
4). Tehran: Islamic Sciences Publishing Center. [In Arabic]

